

روایت فراموش شده مشروطه در بجنورد

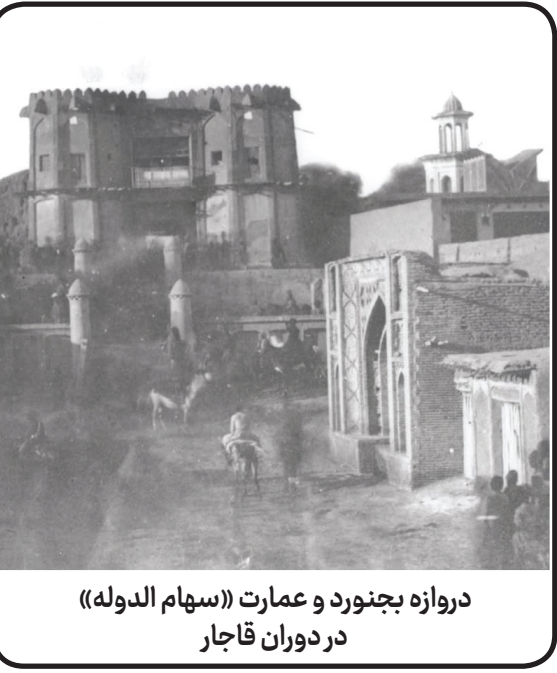
ناگفته‌هایی از نقش «حبیب‌ا... خان شجاع‌الممالک» و دیگر چهره‌های مشروطه‌خواه در شمال خراسان



نمایی از بجنورد در دوران قاجار

شکل‌های تازه مشارکت سیاسی، بیگانه نبود. حمایت او از ایجاد قرائت‌خانه، تأسیس مدارس جدید(شجاعیه و همت) در بجنورد نشان می‌دهد که نگاه او تنها به مسائل نظامی و حفظ قدرت محدود نمی‌شد. افزون بر این، حضور او در عرصه سیاسی پس از مشروطه و انتخابش به عنوان نماینده مردم بجنورد در دوره پنجم مجلس شورای ملی، نشان می‌دهد که او نیز مانند برخی رجال محلی، تلاش کرد جایگاه خود را با شرایط جدید سیاسی واجتماعی هماهنگ کند. نقش او را می‌توان در چند محور ملاحظه کرد؛ نخست؛ نقش امنیتی و نظامی: از طریق فرماندهی نیروهای قزاق «شادلو» و مقابله با ناامنی‌ها و حفظ امنیت شمال خراسان؛ دوم؛ نقش اجتماعی و فرهنگی: حمایت او از ایجاد برخی نهادهای آموزشی و فرهنگی؛ سوم؛ نقش سیاسی؛ ورود به ساختار رسمی سیاست و حضور در مجلس شورای ملی.

یکی از جنبه‌های کمتر بررسی‌شده در تاریخ مشروطه، به‌ویژه در مناطق دور از مرکز، این است که مشروطه فقط محصول فعالیت روشنفکران و فعالان شهری نبود، بلکه بخشی از رجال و حکام محلی نیز، با وجود تعلق به ساختارهای پیشین، در پذیرش و اجرای برخی مؤلفه‌های نظم جدید سیاسی واجتماعی نقش داشتند. بنابراین، «شجاع‌الممالک» را می‌توان شخصیتی دانست که در میان سنت و تجدد قرار داشت.



دروازه بجنورد و عمارت «سهام الدوله» در دوران قاجار

روزنامه «خراسان شمالی»: در پان این گفت‌وگو، مهم‌ترین نکته درباره جایگاه بجنورد در تاریخ مشروطه چیست؟

«سپهری راد»: اگر بخواهم جمع‌بندی کنم، مهم‌ترین نکته این است که تاریخ مشروطه ایران را نمی‌توان فقط از زاویه شهرهای بزرگ و روایت‌های مرکزگرا شناخت. برای رسیدن به تصویری کامل‌تر، باید به سراغ اسناد محلی، مطبوعات منطقه‌ای، تلگراف‌ها، سفرنامه‌ها و خاطرات رجال محلی رفت، زیرا بخش مهمی از تجربه مشروطه در همین منابع ثبت شده است. با نگاهی به اسناد موجود، می‌توان دید که مشروطه در منطقه شمال خراسان، تنها یک رویداد سیاسی نبود، بلکه مجموعه‌ای از تحولات به هم پیوسته بود؛ از مطالبه قانون و عدالت گرفته تا تلاش برای تأمین امنیت، گسترش آموزش، شکل‌گیری نهادهای فرهنگی و حضور بیشتر مردم در عرصه سیاسی. نکته مهم این است که مشروطه فقط در تهران، تبریز و چند شهر بزرگ شکل نگرفت؛ این تحول در شهرهایی مانند بجنورد نیز تجربه شد. مردم، فعالان فرهنگی، اعضای انجمن‌های محلی و حتی برخی رجال بومی، هر کدام به شیوه خود در شکل‌گیری این فضای جدید نقش داشتند. بنابراین، تاریخ مشروطه بجنورد را نباید صرفاً یک روایت محلی و محدود دانست، بلکه باید آن را بخشی از روند بزرگ‌تر تحول جامعه ایرانی از نظم سنتی به سوی جامعه‌ای قانون‌محور و مشارکت‌جو در نظر گرفت. در پایان خاطر نشان می‌کنم که بسیاری از تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دوره مشروطه با محوریت رجال محلی شمال خراسان به پژوهش جدی و علمی نیاز دارند و در این جا از پژوهشگران آینده تقاضا می‌کنم که این مهم را مدنظر قرار دهند.



عمارت مخفم بجنورد در دوران قاجار

علی خسروی - به بهانه یکصد و بیستمین سالروز صدور فرمان مشروطیت که تاریخ رسمی آن، روز ۱۴ مرداد ماه ۱۲۸۵ خورشیدی و مصادف با ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری است، بر آن شدیم که این نقطه عطف تاریخی را مورد کنکاش قرار دهیم. البته پاسداشت رویدادهایی مانند نهضت مشروطه، صرفاً بزرگداشت یک واقعه تاریخی نیست، بلکه فرصتی برای بازتعریف و انتقال ارزش‌های بنیادین هویت ایرانی به نسل‌های آینده است. بنابر این، نهضت مشروطه به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های قانون‌خواهی و مشارکت اجتماعی در ایران، باید متناسب با نیازها و ادبیات نسل جدید تبیین شود تا پیام‌های ملی و فرهنگی آن در رفتارها و کنش‌های اجتماعی امروز تداوم یابد. در راستای اجرای این هدف از آقای «امید سپهری‌راد» عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد و مدیر انجمن ایرانی تاریخ - شعبه خراسان شمالی، دعوت به عمل آمد تا در یک گفت‌وگوی صمیمانه و با تکیه بر اسناد تاریخی، مطبوعات و منابع محلی، تصویری از جایگاه بجنورد در نهضت مشروطه ایران و نقش چهره‌های مشروطه‌خواه در شمال خراسان ارائه نماییم که طی آن، ناگفته‌هایی جذاب و خواندنی از نقش «حبیب‌ا... خان شجاع‌الممالک» و دیگر چهره‌های مشروطه‌خواه در شمال خراسان را مرور خواهیم کرد.

روزنامه «خراسان شمالی»: پیش از آن که به نقش بجنورد در انقلاب مشروطه بپردازیم، لازم است یک پرسش بنیادی را مطرح کنیم؛ منظور از «نهضت مشروطیت» و «عصر مشروطه» چیست و چه تفاوتی میان این دو وجود دارد؟ «سپهری راد»: قبل از هر چیز باید میان دو اصطلاح تمایز قائل شد؛ زیرا این دو، اگرچه به هم پیوسته‌اند، اما یک معنا ندارند. «نهضت مشروطیت» به جنبش سیاسی واجتماعی و فکری مردم ایران برای محدود کردن قدرت مطلقه شاه، برقراری حکومت قانون و مشارکت مردم در اداره کشور گفته می‌شود. این نهضت از حدود سال ۱۲۸۴ هجری شمسی با اعتراض‌های مردمی، مهاجرت علما، تحصن‌ها و مطالبه تأسیس عدالتخانه آغاز شد و با صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ و تشکیل نخستین مجلس شورای ملی به پیروزی رسید. بنابراین، نهضت مشروطه در واقع مرحله مبارزه برای استقرار نظام مشروطه است، اما «عصر مشروطه» به دوره‌ای از تاریخ ایران گفته می‌شود که پس از صدور فرمان مشروطه آغاز شد و کشور وارد نظام جدیدی مبتنی بر قانون اساسی، مجلس شورای ملی و تفکیک نسبی قوا شد. البته این دوره با فراز و فرودهای فراوانی همراه بود؛ از استبداد صغیر و به‌توپ بستن مجلس گرفته تا فتح‌تهران، جنگ جهانی اول، تحولات سال‌های پایانی قاجار و در نهایت استقرار حکومت پهلوی. به بیان دیگر، اگر نهضت مشروطیت را مرحله «کسب مشروطه» بدانیم، عصر مشروطه، مرحله استقرار مشروطیت» و تلاش برای تثبیت نهادهای آن است. این نهضت، نقطه عطفی در گذار ایران از نظام سنتی به دولت قانون‌مدار به شمار می‌آید. مفاهیمی مانند حاکمیت قانون، حقوق شهروندی، مسئولیت‌پذیری دولت، آزادی مطبوعات، گسترش آموزش نوین و مشارکت عمومی، همگی از دستاوردهای فکری و نهادی این نهضت بودند که آثار آن‌ها در دوران مشروطیت به تدریج در جامعه ایران آشکار شد.

روزنامه «خراسان شمالی»: در تاریخ‌نگاری رایج نهضت مشروطه، کمتر نامی از بجنورد و شمال خراسان دیده می‌شود و معمولاً از تهران، تبریز و اصفهان سخن گفته می‌شود. آیا اسناد تاریخی نشان می‌دهند که بجنورد نیز در جریان مشروطه نقش داشته است؟ شما چه تصویری از جایگاه این منطقه در نهضت مشروطه دارید؟

«سپهری راد»: شواهد تاریخی حاکی از آن است که شمال خراسان، برخلاف تصویری که در بسیاری از روایت‌های تاریخ‌نگاری مشروطه ارائه شده است، از جریان این نهضت بی‌بهره نبود. بررسی گزارش‌ها، مکاتبات و مطبوعات محلی (مشخصاً روزنامه «خورشید» نشان می‌دهد که بجنورد نیز همانند بسیاری از شهرهای ایران، از تحولات سیاسی واجتماعی عصر مشروطه تأثیر پذیرفت و اندیشه‌های مشروطه‌خواهی به تدریج در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی واجتماعی این منطقه گسترش یافت. اگرچه بجنورد در شمار کانون‌های اصلی انقلاب مشروطه قرار نداشت، اما شواهدی مانند انتشار اخبار تشکیل انجمن‌های ولایتی، تأسیس قرائت‌خانه، تلاش برای ایجاد مدارس نوین و حضور طیف‌های مختلف اجتماعی بجنورد (روحانیون، تجار، بازاریان، اعیان و فرهنگ‌دوستان) در فعالیت‌های اجتماعی، نشان‌دهنده نفوذ اندیشه‌های مشروطه در این منطقه است. مجموعه این تحولات بیانگر آن است که مردم شمال خراسان نیز همچون دیگر نقاط کشور، خواهان استقرار قانون، عدالت و امنیت بودند و در چارچوب امکانات و شرایط محلی خود، در فرایند مشروطه‌خواهی مشارکت داشتند.



عمارت و باغ «سهام الدوله»

روزنامه «خراسان شمالی»: شما معتقدید اسناد محلی، تصویر متفاوتی از مشروطه بجنورد ارائه می‌کنند، پس چرا این تصویر در روایت‌های رایج تاریخ مشروطه و منابع مرجع کمتر دیده می‌شود؟ چرا نام و نقش مشروطه‌خواهان بجنورد هنوز به‌گونه همنانشان در تهران و تبریز در منابع تاریخی دیده نمی‌شود؟

«سپهری راد»: واقعیت این است که کمرنگ بودن نقش مشروطه‌خواهان بجنورد در منابع رسمی، بیش از آن که ناشی از نبود فعالیت سیاسی واجتماعی در این شهر باشد، به شیوه تاریخ‌نگاری مشروطه بازمی‌گردد. نخست، رویکرد مرکزگرای تاریخ‌نگاری باعث شده توجه پژوهشگران بیشتر معطوف به شهرهایی مانند تهران، تبریز و اصفهان باشد و بسیاری از تحولات محلی کمتر دیده شود. دوم، بخش عمده فعالیت‌های مشروطه‌خواهان بجنورد در قالب تلگراف‌ها، مکاتبات انجمن ولایتی و گزارش‌های مطبوعاتی ثبت شده و کمتر به اسناد رسمی دولتی راه یافته است؛ بنابراین پژوهش‌هایی که تنها بر آرشیوهای دولتی تکیه داشته‌اند، تصویری کامل از نقش این منطقه ارائه نکرده‌اند. از سوی دیگر، ناامنی‌های گسترده شمال خراسان و حملات برخی طوایف و راهزنان محلی، بخش زیادی از توان نیروهای محلی را صرف حفظ امنیت کرد و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را به حاشیه برد. عامل دیگر این است که



نمایی از عمارت امیریه بجنورد

برخی اصلاحات فرهنگی و آموزشی حمایت کردند.

روزنامه «خراسان شمالی»: با وجود نقش «شجاع‌الممالک» در تحولات آن دوره، چرا نام او در روایت‌های رایج تاریخ مشروطه کمتر دیده می‌شود؟

«سپهری راد»: اتفاقا یکی از نکاتی که کمتر به آن توجه شده، همین است که تاریخ مشروطه ایران، عمدتاً از زاویه شهرهای بزرگ مانند تهران، تبریز، رشت و اصفهان روایت شده و به همین دلیل، بسیاری از چهره‌های اثرگذار شهرهای دیگر کمتر شناخته شده‌اند. وقتی گزارش‌های روزنامه «خورشید» و دیگر اسناد محلی را بررسی می‌کنیم، تصویر کامل‌تری از «شجاع‌الممالک» به دست می‌آید. او از یک سو بر خاسته از خاندان «شادلو» بود و از سوی دیگر، با برخی جریان‌های جدید فرهنگی واجتماعی عصر مشروطه ارتباط برقرار کرد؛ به همین دلیل، شناخت جایگاه او نیازمند نگاهی متعادل است؛ نه می‌توان او را صرفاً مخالف تحولات جدید دانست و نه بدون توجه به اسناد، او را در دیف روشنفکران مشروطه‌خواه شهری قرار داد.

روزنامه «خراسان شمالی»: چه عواملی باعث شده است که شما «حبیب‌ا... خان» را صرفاً یک فرمانده نظامی بدانید؟

«سپهری راد»: با نگاهی به اسناد موجود، می‌توان گفت این برداشت بر مجموعه‌ای از اسناد و شواهد تاریخی استوار است. گزارش‌های روزنامه «خورشید» نشان می‌دهد که در دوره فعالیت «شجاع‌الممالک»، از شکل‌گیری برخی نهادهای فرهنگی مانند قرائت‌خانه، نوانخانه و مدرسه نوین حمایت شد؛ نهادهایی که از نخستین نشانه‌های حرکت به سوی نوسازی فرهنگی در بجنورد به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، «سفرنامه یارمحمدخان سهام‌الدوله» اطلاعات قابل توجهی درباره آشنایی او با برخی تجربه‌های فرهنگی و آموزشی خارج از ایران ارائه می‌دهد.



«شجاع الممالک»

روزنامه «خراسان شمالی»: آیا می‌توان میان تجربه سفر «شجاع‌الممالک» به عثمانی و اروپا و حمایت او از نهادهای فرهنگی در بجنورد ارتباطی قائل شد؟ «سپهری راد»: به نظر من، در بررسی این موضوع باید میان واقعیت مستند تاریخی و فرضیه پژوهشی تفاوت قائل شد. آن چه به‌طور مستند می‌دانیم این است که «حبیب‌ا... خان شجاع‌الممالک» همراه پدرش «یارمحمدخان سهام‌الدوله» به عثمانی و اروپا سفر کرد. گزارش بازدید او از مراکز فرهنگی استانبول، مانند تماشاخانه و موزه سلطانی و همچنین مشاهده فعالیت‌های اجتماعی در حمایت از آموزش کودکان و ایتام و همین طور سفرش به روسیه و کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که وی با بخشی از تجربه‌های فرهنگی جهان جدید مواجه شده بود و بعداً در بجنورد از ایجاد نهادهایی مانند قرائت‌خانه، نوانخانه و مدرسه نوین حمایت کرد. نکته مهم این است که نمی‌توان با قطعیت گفت که این اقدامات، مستقیماً نتیجه آن سفر و آن بازدیدها بوده است، اما می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که آشنایی با تجربه‌های اصلاحی عثمانی و اروپا، در کنار عوامل دیگر، در شکل‌گیری نگاه او به اهمیت آموزش و نهادهای فرهنگی بی‌تأثیر نبوده است. بنابراین، با رعایت احتیاط علمی می‌توان گفت که تجربه سفر به عثمانی و اروپا، یکی از عوامل احتمالی در شکل‌گیری نگاه اصلاحی «شجاع‌الممالک» بوده است؛ هرچند برای اثبات رابطه مستقیم، نیازمند اسناد بیشتری هستیم.

روزنامه «خراسان شمالی»: آیا می‌توان گفت که «شجاع‌الممالک» از مشروطه حمایت می‌کرد یا بیشتر در پی حفظ جایگاه خود بود؟

«سپهری راد»: به نظر من، برای شناخت دقیق «شجاع‌الممالک» باید او را در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه بررسی کرد و باید از قضاوت‌های ساده فاصله گرفت. او را نه می‌توان یک مشروطه‌خواه روشنفکر مانند برخی چهره‌های شهری دانست و نه صرفاً شخصیتی که فقط به حفظ قدرت و جایگاه خانوادگی خود فکر می‌کرد. «شجاع‌الممالک» از یک سو به‌خاندان «شادلو» و سنت نظامی آن وابسته بود، اما از سوی دیگر با تغییرات جدید عصر مشروطه، مانند آموزش نوین، نهادهای فرهنگی و